

1-Review

Context

مطمئنی برادرت این غذا رو دوست داره؟

Are you sure **your brother likes this food?**

کی رو از همه بیشتر دوست داری؟

Who do you like best?

مادرت غذای دریایی دوست داره؟

Does your mother like sea food?

تا اونجاییکه من می دونم، شوهرت یکی دیگه رو دوست داره، چرا می خواهی باهاش زندگی کنی؟

As far as I know, your husband loves somebody else, why are you gonna live with him?

برادرت آشپزی کردن رو دوست داره؟

Does your brother like cooking?

چه نوع موزیکی دوست داری؟

What kind of music do you like?

هرچی بخوایی بهت می دم، اخراجم نکن.

I am giving you everything you want, don't fire me.

مادرم این چیزها رو نمی خواد ، فقط آرامش نیاز داره.

My mother doesn't want **these things**, she only needs quiet.

خانمت چه چیزی رو بیشتر از همه دوست داره؟

What does your wife like best?

تا اونجاییکه من می دونم، حیوانات خانگی رو دوست نداره.

As far as I know, she doesn't like **pets**.

خانمم حیوانات خونگی رو دوست نداره، کجا نگهشون دارم؟

My wife doesn't like pets, where shall I **keep** them?

کجا می خوایی مغازه بزنی؟

Where are you gonna open the shop?

سرمایه نداری.

You haven't got any **investment**.

برادرم این شغل رو دوست نداره، می خواد عوضش کنه.

My brother doesn't like this job, he is gonna change it.

مادرت ایمیل رو می دونه؟ می خوام امشب چندتا عکس براش بفرستم.

Does your mother know my email? I am gonna **send her** some pictures tonight.

اینجا رو مثل کف دستم می شناسم.

I know here **like the back of my hand**.

دلم براش می سوزه.

My heart goes out to your friend.

بخور نمیر زندگی می کنه.

She lives **from hand to mouth**.

رانندگی رو دوست داری؟

Do you like driving?

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی داری؟ سؤالی ندارم. شروع کنیم.

Shall we start? Let's start, have you got any questions? I haven't got any question, let's start.

Vocabulary

آرامش

Quiet

حيوان خانگی

Pet

سرمایه

Invest

قلب

Heart

these things /ði z z/*** تلفظ سریع چالشیه
investment / n v stm nt/
heart /h t/***
quite /kwa t/

2-What do you do at weekends conversation

Context

استاد: این قسمت تمرین پنج یا ده دقیقه طلایی است در کل مکالمه زبان انگلیسی

برای حل کردن تفاوت بین حال ساده و آینده قطعی و آینده غیرقطعی

این آخر هفته می خوای چیکار کنی؟

What are you gonna do this weekend? آینده غیرقطعی

این آخر هفته چیکار میکنی؟

What are you doing this weekend? آینده قطعی

آخر هفته ها چیکار می کنی؟

What do you do at weekends? حال ساده

این جمعه رو می خواهی چیکار کنی؟

What are you gonna do this Friday?

این جمعه رو چیکار می کنی؟

What are you doing this Friday?

جمعه ها چیکار می کنی؟

What do you do on Fridays?

پدرت جمعه ها چیکار میکنه؟

What does your father do on Fridays?

شوهرت امشب چیکار میکنه؟

What is your husband doing tonight?

شوهرت می خواد امشب چیکار کنه؟

What is your husband gonna do tonight?

پدرت شبها چیکار میکنه؟

What does your father do every night?

می خوام امشب به مامانم سر بزنم.

I am gonna visit my mother tonight.

امشب به مامانم سر می زنم.

بقیه مثالهای این درس هم به همین ترتیب روی تفاوت این سه تا مانور میدن که من دیگه با هایلایت و خط کشی اسپویلشون نمیکنم

I am visiting my mother tonight.

من هر شب به مامانم سر می زنم.

I visit my mother every night.

شوهرم می خواد این هفته دعوتتون کنه.

My husband is gonna invite you this week.

شوهرم این هفته دعوتتون می کنه.

My husband is inviting you this week.

شوهرم هر هفته دعوتتون می کنه.

My husband invites you **every week**.

بابات امشب می خواد چیکار کنه؟

What is your father gonna do tonight?

بابات امشب چیکار می کنه؟

What is your father doing tonight?

پدرت هر شب چیکار می کنه؟

What does your father do **every night?**

امسال برای زنت چی می خواد بخری؟

What are you gonna buy for your wife this year?

امسال برای زنت چی می خری؟

What are you buying for your wife this year?

هر سال برای زنت چی می خری؟

What do you buy for your wife **every year?**

امسال می خوام براش حلقه بخرم.

I am gonna buy a ring for her this year.

امسال براش حلقه می خرم.

I am buying a ring for her this year.

من هر سال براش حلقه می خرم.

I buy a ring for her **every year**.

پدرت این تابستون کجا میخواد بره؟

Where is your father gonna go this summer?

پدرت این تابستون کجا می ره؟

Where is your father going this summer?

پدرت هر تابستون کجا می ره.

Where does your father go **every summer**?

این تابستون منچستر می خواد بره.

He is gonna go to Manchester this summer.

این تابستون منچستر می ره.

He is going to Manchester this summer.

هر تابستون منچستر می ره.

He goes to Manchester **every summer**.

چرا می خوای امروز جلسه رو کنسل کنی؟

Why are you gonna cancel the meeting today?

چرا امروز جلسه رو کنسل می کنی؟

Why are you canceling the meeting today?

چرا جلسه رو هر روز کنسل می کنی؟

Why do you cancel the meeting **every day**?

کی می خوای به مامانت زنگ بزنی؟

When are you gonna call your mother?

کی به مامانت زنگ میزنی؟

When are you calling your mother?

کی ها به مادرت زنگ می زنی؟

when جملات سوالی با

اینده غیرقطعیش محرکش قویه چون یک محرک "خواستن" دارد

بین آینده قطعی و حال ساده ممکنه گیجی پیش بیاد

کی به مامانت زنگ میزنی؟

توقعت از انجام فعل یکبار است

کی ها زنگ میزنی به مامانت؟

توقعت از انجام فعل چندبار است

When do you call your mother?

داداشت کی می خواد بیاد اینجا؟

When is your brother gonna come here?

داداشت کی می آد اینجا؟

When is your brother coming here?

داداشت کی ها می آد اینجا؟

When does your brother come here?

فردا می خوای چیکار کنی؟

What are you gonna do tomorrow?

فردا چیکار می کنی؟

What are you doing tomorrow?

هر روز چیکار می کنی؟

What do you do every day?

Vocabulary

تعطیلات آخر هفته

Weekend

year /j /
summer / s m /

3-How often do you go out conversation

این درس درباره قیدهای تکرار در حال ساده است

Context

اون توی یه شرکت بازاریابی کار می کنه.

He works for a market research company.

پدرم برای یه شرکت بیمه کار می کنه.

My father works for an insurance company.

همکارم برای یه شرکت خارجی کار می کنه.

My colleague works for a foreign company.

بچه هام برای ایران خودرو کار می کنند.

My children work for IKO.

برای شرکت بیمه کار می کنی؟

Do you work for an insurance company?

بابات برای یه شرکت خارجی کار می کنه؟

Does your father work for a foreign company?

بچه هات برای شرکت بیمه کار می کنند؟

Do your children work for an insurance company?

کجا کار می کنی؟

Where do you work?

پدرت کجا کار می کنه؟

Where does your father work?

همکارت کجا کار می کنه؟

Where does your colleague work?

دوستت کجا کار می کنه؟

I work for Mictosoft company
But, I work in accounting department

Where does your friend work?

توی کدوم شرکت کار می کنی؟

What company do you work for?

پدرت توی کدوم کمپانی کار می کنه؟

What company does your father work for?

کدوم قسمت کار می کنی؟

Which department do you work in?

قسمت فروش کار می کنم.

I work in sales department.

قسمت حسابداری کار می کنم.

I work in accounting department.

توی قسمت حفاظت و نگهداری (بایگانی- آرشیو) کار می کنم.

I work in maintenance department.

قسمت پرسنلی کار می کنم.

I work in staff department.

قسمت اداری کار می کنم.

I work in administrative department.

کجا کار می کنه؟

Where does he work?

برای کدوم کمپانی کار می کنه؟

What company does he work for?

برای یه شرکت بازاریابی کار می کنه.

He works for a Market Research Company.

داره از مردم در مورد اوقات فراغتشنون می پرسه.

He is asking people about their free time.

داره چی می رسه؟

What is he asking about?

هر سه کلمه زیر به معنی قسمت های یک شرکت هستند با یک تفاوت
قسمت های بزرگ یک شرکت مانند یک department
ساختمان که مال حسابداری است
قسمت های متوسط مانند یک طبقه از شرکت که division
مال حسابداری است
قسمت های کوچک مانند یک اتاق که مربوط section
حسابداری است

از کی داره می پرسه؟

Who is he asking?

من مال شرکت بازاریابی با مسوولیت محدود هستم.

I am from market research limited

اون آقا مال شرکت بیمه است.

That man is from an insurance company.

شما مال شبکه بی بی سی هستی؟

Are you from BBC network?

مال کدوم شرکتی؟ == What company do you work for?

What company are you from?

ممکنه چندتا سؤال ازت بپرسم؟

May I ask you some questions?

چندتا سؤال ازت بپرسم؟

Shall I ask you some questions?

معمولاً چه ساعتی از کار به خونه می رسی؟

What time do you usually arrive home from work?

معمولاً داداشت هر روز چه ساعتی از اداره به خونه می رسه؟

What time does your brother arrive home from office every day?

پدرت هر روز معمولاً از بیمارستان چه ساعتی خونه می رسه؟

What time does your father arrive home from the hospital every day?

چرا هر شب اینقدر دیر می رسی خونه؟

Why do you arrive home so late every night?

زنت هر شب این ساعت می رسه خونه؟

Does your wife arrive home at this time every night?

تا اونجایی که می دونم، بین 8 تا 9 می رسه خونه.

جملاتی که با

could you, shall i, may i,

اینها جملات سوالی نیستند. جملات کسب اجازه و خواهشی هستند و مشتقاتش استفاده بشه any پس نباید توشون از

As far as I know, she arrives home between 8 and 9.

معمولاً ساعت 6 می رسم خونه.

I usually arrive home at six o'clock.

پدرم معمولاً هر شب ساعت 8 می رسه خونه اما امشب دیر میاد خونه.

My father usually arrives home at 8 every night, but tonight he is coming home late.

کی ها شام می خوری؟

When do you have dinner?

کی شام می خوری؟

When are you eating dinner?

همسرت هر شب کی شام می خوره؟

When does your husband have dinner every night?

چرا هر شب شامت رو اینقدر دیر می خوری؟ برای سلامتیت خوب نیست.

Why do you eat your dinner so late every night? It's not good for your health.

خانمم هر شب شامش رو خونه می خوره اما امشب تو اداره می مونه.

My wife has her dinner at home every night but she is staying in the office tonight.

هر شب با شام چی می خوری؟

What do you have **with** dinner every night?

معمولاً ساعت 7 شام میخورم ولی بعضی وقتها ساعت 8 یا 9 می خورم.

I usually have dinner at seven o'clock but sometimes eat at eight or nine o'clock.

خانمم هم کار می کنه.

My wife works too.

شاغلی (بیرون کار می کنی)؟

Do you work **out side**?

داداشت شاغله؟

Does your brother work outside?

پسرم شاغله.

My son works outside.

معمولاً بعد از شام چیکار می کنی؟

What do you **usually** do after the dinner?

بعد از شام چیکار می کنی؟

What do you do after dinner at nights?

تا اونجایی که من می دونم، پدرت هر شب شام دیر می خوره.

As far as I know, your father eats dinner late every night.

پدرت بعد از شام چیکار می کنه؟

What does your father do after the dinner?

چیکار داری می کنی؟

What are you doing?

دارم شامم رو می خورم.

I am eating my dinner.

بعضی وقتها بیرون می رم.

I **sometimes** go out.

بعضی وقتها بیرون می ره.

He **sometimes** **s** **goes** out.

بعضی وقتها بیرون می ره.

She **sometimes** goes out.

پدرم بعضی وقتها بیرون می ره.

My father **sometimes** goes out.

قید های تکرار هم در جمله خبری هم
در جمله سوالی همیشه بعد از
سابقه میان
اما اگر بخوای قانون کلیشو بدونی
همیشه بین دو محذوف و فعل جمله
میان

اون اساتیدی که میگن قید های تکرار نشانه حال ساده است میخوان ماسمالی کنند و وظیفه
تدریس حال ساده رو از دوششون بردارن
درسته که هر گاه قید تکرار باشه حال ساده داریم ولی عکس این جمله درست نیست
در صورتیکه خیلی وقتا این قید های تکرار نمیان. اون موقع چه خاکی بریزیم؟
باید به این قید ها عادت کنی بلکه باید با توجه به مفهوم بفهمیش
زنگ میزنی به دوستت میخوای برای بعد از شام باهاش قرار بذاری باید بهش بگی
What are you doing after dinner?
داری با دوستت درد و دل میکنی و راجب کارهای روزمره اش صحبت میکنی میخوای
بدونی در روتین روزانه اش بعد شام خوردن چیکار میکنه باید بگی
What do you do after dinner?

داداشم بعضی وقتها بیرون می ره.

My brother sometimes goes out.

بچه هام بعضی وقتها بیرون می رن.

My children sometimes go out.

بعضی وقتها با داداشم تماس می گیرم و بعضی وقتها توی پارک قدم می زنم.

I sometimes call my brother; I sometimes walk in the park.

پدرم بعضی وقتها سری بهم می زنه.

My father sometimes visits me.

بچه هام بعضی وقتها پلی استیشن بازی می کنند.

My children sometimes play video games.

بعضی وقتها بیرون می رم، اما معمولاً خونه می مونم و تلویزیون می بینم.

I sometimes go out, but I usually stay at home and watch television.

برادرت بعد از شام شبها چیکار می کنه؟

What does your brother do after the dinner at night?

توی پارک قدم می زنه ولی معمولاً خونه می مونه و با کامپیوتر کار می کنه. بعضی وقتها

He sometimes walks in the park but usually stays at home and works with computer.

خانمت هر شب بعد از شام چیکار می کنه؟

What does your wife do after the dinner at night?

بعضی وقتها تلویزیون می بینم ولی معمولاً پاهاش رو دراز می کنه و بهم دستور می ده و به من می خنده.

She sometimes watches T.V but she usually **stretches** her legs and orders me and laughs at me.

چند وقت به چند وقت بیرون می ری؟

How often do you go out?

چند وقت به چند وقت برادرت بهت زنگ می زنه؟

How often does your brother call you?

چند وقت به چند وقت مادرت بیرون غذا می خوره؟

How often does your mother **eat out**?

چند وقت به چند وقت به سی دی هات گوش می دی؟

How often do you listen to your CD?

شوهرت چند وقت به چند وقت روغن ماشین رو عوض می کنه؟

How often does your husband change the car oil?

چند وقت به چند وقت جورابات رو عوض می کنی؟

How often do you change your socks?

همکارت چند وقت به چند وقت می ره مرخصی؟

How often does your colleague go **on** leave?

چند وقت به چند وقت می ری مسافرت؟

How often do you **go on a trip**?

چند وقت به چند وقت مامانت دکتر می بردت؟

How often does your mother take you to a doctor?

چند وقت به چند وقت خارج می ری؟

How often do you **go abroad**?

چند وقت به چند وقت نامزدت برات نامه می نویسه؟

How often does your fiancée **write to you**?

چند وقت به چند وقت دوش می گیری؟

How often do you have a shower?

چند وقت به چند وقت برادرت تصادف می کنه؟

How often does your brother have an accident?

چند وقت به چند وقت پدرت ریش رو می زنه؟

How often does your father have a shave?

چند وقت به چند وقت بیرون میری؟

How often do you go out?

همیشه توی انگلیسی اینجوریه که

قواعد یک و دو با سه به بالا فرق داره

first, second, third
once, twice, three times

برادرم روزی دوبار بهم زنگ می زنه

My brother calls me **twice a day**.

مادرم بیرون شهر زندگی می کنه، هفته ای یبار بهم سر می زنه.

My mother lives out of city; she visits me **once a week**.

پسرم روزی دوبار دوش می گیره.

My son has a shower twice a day.

پدرم هفته ای سه بار اصلاح رو می کنه.

My father has a shave **3 times a week**.

به دوستات زیاد سر می زنی؟

Do you **often** visit your friend?

پدرت زیاد بهت زنگ می زنه؟

Does your father often call you?

زیاد اصلاح میکنی(صورتت رو)؟

Do you often have a shave?

برادرت زیاد غذا بیرون می خوره؟

Does your brother often **eat out**?

مادرت زیاد خارج می ره؟

Does your mother often go abroad?

زیاد مسافرت می ری؟

Do you often go on a trip?

برادرم زیاد مسافرت می ره.

My brother often goes on a trip.

بله کاملاً زیاد. بعضی وقتها من سر می زنم و بعضی وقتها اونها بهم سر می زنن.

Yes, I do. **Quit often**. I **sometimes** visit them and they **sometimes** visit me.

ما همیشه بهم سر می زنیم.

We **always** visit each other.

برادرم همیشه صبحها دوش می گیره.

My brother always has a shower in the morning.

من سیگار نمی کشم.

قید تاکید "اصلاً" در حال ساده منفی

I don't smoke cigarette.

من اصلاً سیگار نمی کشم.

I **never** smoke cigarette.

برادرم صبحها دوش نمی گیره.

My brother doesn't **have** a shower in the morning.

برادرم اصلاً صبحها دوش نمی گیره.

My brother never **has** a shower in the morning.

اصلاً سیگار می کشی؟

قید تاکید "اصلاً" در حال ساده سوالی

Do you **ever** smoke cigarette?

برادرت اصلاً بهت سر می زنه؟

Does your brother ever visit you?

اصلاً سینما می ری؟

Do you ever go to the cinema?

اصلاً پدرت تصادف می کنه؟

Does your father ever have an accident?

اصلاً خارج می ری؟

Do you ever go abroad?

مادرت اصلاً بیرون غذا می خوره؟

Does your mother ever eat out?

اصلاً به سی دی هات گوش می دی؟

Do you ever listen to your CDs?

چند وقت بیار سینما می ری؟

How often do you go to the cinema?

هرازگاهی فیلم می بینم.

I occasionally see a film.

برادرم هرازگاهی من رو مسافرت می بره.

My brother occasionally takes me to a trip.

هرازگاهی فیلم می بینم، فیلمهای ترسناک مثل فرانکنشتاین و دراکولا دوست دارم.

I occasionally see a film; I like horror films the same as Frankenstein and Dracula.

چه فیلمایی دوست داره؟

What kind of films does he like?

اصلاً تئاتر می ری؟

Do you ever go to the theater?

اصلاً مهمونی های قاطی می ری؟

Do you ever go to co-ed party?

زیاد تئاتر نمی رم.

I don't often go to the theater.

چی بشه برم تئاتر.

I rarely go to the theater.

برادرم چی بشه سیگار بکشه.

My brother seldom smokes cigarette.

اصلاً باله هم می ری؟

Do you ever go to ballet?

اصلاً توی مهمونی ها با دخترها می رقصی؟

Do you ever dance with the girls at the parties?

من بیشتر با زنها می رقصم.

I often dance with the women.

پدرت صبحها خواب هم می مونه؟

Does your father oversleep in the morning?

خواهرت توی خونه دست به سیاه و سفید هم می زنه؟ اصلاً

Does your sister ever lift a finger at home?

اون اصلاً توی خونه به سیاه و سفید هم دست نمی زنه.

She never lifts a finger at home.

من رقص باله رو دوست ندارم.

I don't like ballet.

ممکنه یه سؤال ازت بپرسم؟

May I ask you a question?

شما توی اوقات فراغتت چیکار می کنی؟

What do you do in your free time?

برادرت اوقات فراغتت چیکار می کنه؟

What does your brother do in his free time?

من همیشه سؤال می پرسم، اصلاً پاسخ نمی دم.

I always ask questions, I never answer them.

معلمت توی کلاس اصلاً سؤال هم می پرسه؟

Does your teacher ever ask you in the class?

همیشه جوابم رو می ده.

He always answers me.

Vocabulary

گزارشگر

Reporter

اوقات فراغت

Free time/leisure time/spare time

لوازم یدکی

Spare Equipment

شرکت بازاریابی

Market research Company

محافظت و نگهداری

Maintain/protect

حراست

Security

استخدام کردن /شدن

Employ

کارمند

Employee

به مجموعه کارمندان می گویند

Staff

اداری

Administrative

با مسوولیت محدود

Ltd (limited)

رئیس جلسه

Head worker

رسیدن

market research /m k tr s /

foreign /f r n/

for /f /*****

department /d p tm nt/

staff /st f/

administrative / d m n str t v/

limit /l m t/

usually /ju u li/

video /v d /

stretch /str t /

often / f()n/ یا f()n/ (هر دو درست هستند)

always / lwe z/

never /n v /

ever / v /

occasionally / ke n li/

rarely /re li/

seldom /s ld m/

abroad / br d/

hower / a /

ballet / bæle / تی آخر کلمه اصلا تلفظ نمیشه

lift a finger /l ft f /

reporter /r p t /

consider /k ns d /

security /s kj r ti/

maintain /me n te n/

protect /pr t kt/

leisure /l /

Spare Equipment/sp kw pm nt/

Arrive

در نظر گرفتن

Consider

دراز کشیدن

Lie

دراز کردن

Stretch

جوراب

Socks

خارج رفتن

Go aboard

خارجی

Foreign

اوقات خوبی داشتن/ اصلاح کردن/ دوش گرفتن/ حمام گرفتن/ تصادف داشتن

Have a good time/ a shave/ a shower/ bath/an accident

اوقات خوبی داشتن/ اصلاح کردن/ دوش گرفتن/ حمام گرفتن/ تصادف داشتن (آمریکایی)

Take a good time/ a shave/ a shower/ bath/an accident

هرزگاهی

Occasionally

بندرت/ چی بشه

Seldom/rarely

اولین

First

دومین

Second

سومین

Third

چهارمین

Fourth

یکبار

Once

دوبار

Twice

سه بار

3 times

بار 10

10 times

Conversation text

Mr. Felton works for a market research company; he is asking people about their free time.

.

A: Good evening, sir.

B: Good evening.

A: I am from market research limited. May I ask you some questions?

B: Yes. Yes, all right.

A: Thank you, now, what time do you usually arrive home from work?

B: I usually arrive home at six o'clock.

A: When do you usually have dinner?

B: I usually eat dinner at seven o'clock but sometimes eat at eight or nine o'clock. My wife works too.

A: What do you usually do after dinner?

B: I sometimes go out, but I usually stay at home and watch television.

A: How often do you go out?

B: Not often, once or twice a week.

A: Do you often visit your friends?

B: Yes, I do. Quite often. I sometimes visit them and they sometimes visit me.

A: Do you ever go to the cinema?

B: Yes, I do.

A: How often.

B: Occasionally, I see a film; I like horror film the same as Frankenstein, Dracula.

A: And the theater? Do you ever go to the theater?

B: Yes, I do, but not often. I rarely go to the theater.

A: Do you ever go to ballet?

B: No never, I don't like ballet.

A: Well, thank you Mr. Norris

B: May I ask you a question?

A: Yes.

B: What do you do in your free time?

A: I ask questions, Mr. Norris, I never answer them.

B: OH!

Proverb

پول علف خرس نیست.

Money never grows on trees.